

مناظره مسلمان و داروین

(۶)

قسمت دوم

ملحقات نظریه تحول

مسلمان - داروین آیا نظریات دیگری در باره پیدایش اجتماع و زندگی دارند ؟

داروین - آری نظریه های دیگری هم دارم .

مسلمان - آن نظرها مستقل هستند ، یا تابع همان نظریه تحول میباشند ؟

داروین - قهراً ؛ تابع همان نظریه تحول خواهد بود .

مسلمان - هنگامیکه نظریه تحول را - در قسمت اول کتاب - باطل کردیم خود بخود نظریات تابع آن هم باطل میگردد ؛ زیرا وقتی اصل از بین رفت ، دیگر فرعی برجا نخواهد ماند .

داروین - بشما وعده دادم که : در اطراف اشکالات شما فکر میکنم .

مسلمان - بهر حال آن نظریاتیکه تابع نظریه تحول است ، چیست ؟

داروین - نظریات فرعی من عبارتند از :

۱ - پیدایش اجتماع

۲ - دین

۳ - زبان

۴ - اخلاق

۵ - تمدن ، با مظاهر گوناگون آن

۱- پیدایش اجتماع

مسلمان - نظر شما درباره پیدایش اجتماع چیست ؟

داروین - مسلمان ۱۰ شما در این باره چه میگوئید ؟

مسلمان - ما میگوئیم : خدا آدم و حوا (ع: را آفرید ، و فنون مختلف دانش را از : زراعت ، صنعت ، بنائی ، ... باو یاد داد ، سپس زاد و ولد کرده زیاد زیاد شدند ، و دانش آنان از طریق وحی و راهنماییهای الهی بوده و اجتماع کنونی همان اجتماع است با تفاوتهائی که بعداً پیدا شده .

داروین - این حرفها را از کجا گفتید ؟

مسلمان - پیامبران الهی بواسطه وحی از جانب خدا خبر داده اند ؛ ولیکن شما در باره پیدایش اجتماع چه میگوئید ؟

داروین - من میگویم :

اصل اجتماع از خانواده است . و خانواده باین کیفیت پدید آمد :

در ابتدا مردان چندان ارتباطی با خانواده نداشتند ، و فقط بواسطه نزدیکی با زنان شهوت خود را آرام میکردند . . . ولی هنوز هیچکدام نمیدانستند که این عمل سبب پیدایش کودک خواهد شد پس از چندی که طفل پا بدینا گذارد ، علاقه اش تنها بمادر بود .

باز کودک دیگر که بدینا آمد ، بین این دو کودک و مادر علاقه پیدا شد .

بهمین منوال بیش از صدها هزار سال سپری شد ، در صورتیکه هنوز بشر زراعت بلد نبود ؛ بلکه از گیاهان صحرا میخورد ، و باشکار حیوانات بیابان شکم خود را سیر مینمود .

سپس بشر زراعت را آموخت ، در این هنگام که پدر و مادر ، در کشاورزی بهمکاری پرداختند ، و از اینجا بود که بین پدر و مادر از یکطرف ، و بین فرزندان از طرف دیگر ارتباط برقرار گردید ، در صورتیکه پیش از این تنها میان مادر و اولاد رابطه بود .

رفته رفته با ترقی انسان ، از ارتباط خانوادگی ، آمیزش قبیلگی و نژادی پدیدار شد .

این بود منشأ پیدایش اجتماع در نظرم که داروین هستم .

مسلمان - آفرین با این نظریه !! احسنت بر شما دانشمندیکه باصول

تجربی پای بندهستید !! لکن ، جناب داروین ! اجازه بفرمائید از شما سؤال کنم که : این حرفها را از کجا آوردید ؟ آیا در تمام این ادوار که صدها هزار سال است شما همراه انسان بودید ؟ یا از آسمان بر شما وحی نازل شد ؟ آیا این نظریه را از پیامبران گرفتید ؟ یا از روی دلیل علمی دیگری بدست آوردی ؟

داروین - نه خیر ! در این ادوار همراه انسان نبوده ام .

وحی هم بر من نازل نشده ، بلکه اصلاً من منکر وحی هستم .

پیامبران نیز بمن خبر نداده اند ، بلکه پیامبران را نیز قبول ندارم .

من این نظریه را از روی دلیل علمی میگویم .

مسلمان - آن دلیل علمی چیست ؟ !

داروین - دلیل علمی اینست :

اولاً - مامیبینیم که بعضی از قبائل جزیره «تروبریانده» قسمتی از دریای

جنوبی بین استرالیا و آسیا ، در زندگی ارتباط زیادی با مادر دارند .

ثانیاً - مشاهده میشود که بسیاری از قبایل ، خود را با مادران شان نسبت

میدهند .

ثالثاً - در تاریخ میخوانیم که : تعدادی از مردان به یکن زن اکتفاء میکردند .

رابعاً - کلمه «حیاء» یعنی زندگی ، از حیاء - نام فلان زن - گرفته شده

است و «حماء» که بفامیل زن گفته میشود ، از احتماء یعنی خویشی گرفته شده

و .. از این قبیل مطالب که بما میفهمانند ، در جهان ، مدار زندگی زن است ،

و پیوندها و خویشاوندیها بوسیله زن پدید آمده است ، نه مرد .

مسلمان - این دلیلها شباهتش بحرف بچهها بیشتر است تا ب مردم عادی

چه برسد بکسیکه ادعای فلسفه هم می نماید !

انسان نمیداند باین عقلاهای بچگانه بچند دیا گریه کند ؟ ! چه سبک مغز -

هائی که اگر هزاران دلیل بوجود خدا و پیمبران و کتب آسمانی باشد ، باز

منکر میشوند ، و خود از چنین آراء سست و منطقهای پوچی دم میزنند ، و باز هم ادعای

دانش و فرهنگ و تمدن میکنند !!

این دلیلی را که شما برای نظریه تان آوردید ، مثل اینست که کسی بگوید :

نخل «درخت خرما» از اول **منخل** «آردبیز» بوده ... برای چه ؟

برای اینکه شاخه های درخت خرما در کجی مانند **منخل** است !

و برای اینکه کلمه **نخل** و **منخل** از یک ماده وریشه هستند !

شما تا چه پایه این طرز استدلال را پست میدانید ؟

این نظریه شما در پیدایش اجتماع از آنهم پست تر است !

بعد از همه این حرفها ، جواب ما :

۱. زندگی بعضی از قبائل ارتباط بسیاری با مادر دارد - بفرض ، این حرف

درست هم باشد - بزندگی بیشتر مردم عالم که با پدر و مادر ارتباط کامل دارد

نقض میشود . آیا آن سبک زندگی گمانی کمیاب دلیل است ولی این زندگی عمومی

دلیل نیست ؟

این گفتار مانند آنست که بگوئید انسان در اصل خلقتش انگشت داشته

است زیرا کسانی یافته پیشوند که شش انگشت دارند !

۲ - چطور شد شما انتساب قبیلگی بعضی ها را با مادران نشان دیدید ، ولی انتساب

همه عالم را پدران مشاهده نکردید ؟ !

قرشی ها ، اموی ها ، تمیمی ها ، بکری ها ، ووو . که همگی پدرانشان

قریش ، امیه ، هاشم ، تمیم ، بکر ، نسبت دارند ، دلیل برجیزی نیست . ولی

تنهایك قبيله که بمادر نسبت دارد ، دلیل خواهد بود ؟

مگر بگوئید : داروین سازنده ، برای این هم اختراعی خواهد کرد ، و

خواهد گفت که : قریش ، امیه ، تمیم ، بکر ، همگی زن بوده اند ! آری از

قدرت بافندگی داروین ، خیلی بدور نیست !

۳ - همانطور که دسته ای از مردان تنها بیک زن اکتفاء میکردند ،

زنان بسیاری هم هستند که همگی در اختیار یک مرد میباشند ، استاد ما هر ادیگر چه

خواهی گفت ؟

۴ - عرب که اولین انسان یا تنها قبيله روی زمین نبوده است ، تا الفاظش

بر چیزی دلالت داشته باشد ، و آیا در زبانهای دیگر از این استدلال اثری خواهد ماند

این استدلال چه قدر شبا هت دارد با استدلال کسی که میگوید :

اسد (شیردرنده) ، هزاران سال پیش سدی بود برای یکی از جویها ، پس
 بظورت حیوانی درآمد و با این طرز میخواید استدلال کند بر اینکه لفظ (اسد) از
 (سد) گرفته شده !

مسلمان - داروین ! درباره این اشکالات دیگر چه خواهید گفت ؟

داروین - فکر خواهم کرد !

مسلمان - فکر کن ، آیا دلیل دیگری هم دارید ؟

داروین - آنچه تا کنون گفتم : مهمترین دلائل من بود ، شواهد دیگری
 هم در این زمینه دارم .

مسلمان - لطفاً شرح بدهید !

داروین - ایراداتیکه شما بر دلائل گذشته ام وارد کردید ، دیگر
 جایی برای سایر شواهد نگذاشته ، زیرا پایه این شواهد از دلائل گذشته بمراتب
 سست تر است .

نخست دبستان

باید تا مادران با خردورای

کودک دانا بیروند بدامان
 مادر آموزگار و طفل نوآموز

دامن مادر بود نخست دبستان

(گفتار فلسفی - جوان)